

خبر

وزرای خارجه بریتانیا و فرانسه در نشست سران اتحادیه اروپا شرکت نکردند

سردرگمی در اروپا

● انتخاب ترامپ برای اتحادیه اروپا یعنی توفانی سخت در راه است. بسیاری از تحلیلگران می‌گویند حتی اگر ترامپ به رئیس‌جمهوری میانه‌رو بدل شود، موضع او مبنی بر در اولویت بودن خود آمریکا، برای رهبران اروپایی مایه دردرسر است. در زمانی که کشورهای اتحادیه اروپا با بحران‌های متعددی دست‌به‌گریزانند، ازدست‌دادن احتمالی بزرگ‌ترین و ثابت‌قدم‌ترین متحد بین‌المللی اروپا ضربه‌ای دشوار است؛ حالا آمریکا از متحدی حیاتی به مشکلی بدل شده که برای حل آن باید کشورهای اروپایی برنامه‌ریزی کنند. از همین‌رو شب گذشته وزرای خارجه کشورهای اتحادیه اروپا گردهم آمدند تا درباره سیاست‌های احتمالی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری جدید آمریکا، گفت‌وگو کنند.
بالین‌همه در اقدامی که نشان‌دهنده اختلاف بر سر چگونگی مواجهه و مقابله با دونالد ترامپ است، وزرای امورخارجه انگلیس و فرانسه اعلام کردند که در این نشست شرکت نمی‌کنند. فدریکو موگرتینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز گذشته رهبران اروپایی را در بروکسل گردهم آورد تا درباره رویکرد اروپا در قبال رئیس‌جمهوری جدید ایالات متحده و نگرانی‌های به‌وجودآمده درباره احتمال لغو برخی قراردادهای دو طرف بحث و گفت‌وگو کنند. به نوشته روزنامه «ایندپندنت»، یک سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا گفته است در آمریکا «اقدامی دموکراتیک» صورت گرفته و نیازی به جلسه فوق‌العاده درباره آن وجود ندارد. پیش‌تر هم «بوریس جاسون»، وزیر خارجه بریتانیا، نگرانی مقامات اروپایی درباره تبعات روی‌کارآمدن ترامپ را بی‌دلیل خوانده بود. سخنگوی وزارت خارجه بریتانیا گفته است: «وزیر خارجه در نشست روز یکشنبه شرکت نمی‌کند. یک نشست عادی ششورا قرار است که روز دوشنبه برگزار شود. همان‌جا می‌توان درباره موضوعات مختلفی بحث کرد». خبرگزاری فرانسه هم گزارش داد وزیر خارجه این کشور هم به گردهمایی شب یک‌شنبه نمی‌رود. این گزارش‌ها در حالی منتشر شده که نگرانی‌هایی درباره احتمال کنارکشیدن ایالات متحده از توافق اتمی میان تهران و فئش قدرت جهانی، ایجاد شده است؛ رئیس‌جمهوری منتخب آمریکا در زمان کارزار انتخاباتی‌اش، بارها از لغو این قرارداد در صورت پیروزی سخن گفته بود. روزنامه وال‌استریت‌ژورنال به نقل از دیپلمات‌های ارشد اروپایی گفته است آنها برای نخستین بار در دهه‌های گذشته، با رئیس‌جمهوری در آمریکا سروکار پیدا می‌کنند که از سیاست‌های خارجی او اطلاع چندانی ندارند. خود ترامپ و مشاوران ارشد او در سیاست خارجی نیز ارتباط چندانی با متحدان اروپایی نداشته‌اند؛ رهبران کشورهایی مانند فرانسه، آلمان یا ایتالیا، به‌تازگی گفت‌وگوهایی تلفنی با ترامپ داشتند که در آنها بر «تمایل به همکاری مشترک» تأکید شده است. توافق اتمی و روابط آینده واشنگتن و مسکو ازجمله موضوعات اصلی این دیدار برآورد شده است. مقام‌های اروپایی تأکید کرده‌اند که سیاست دولت آینده آمریکا در قبال تهران و مسکو ممکن است، خیلی سریع، به بروز تنش‌هایی بینجامد. موگرتینی، در روز ۱۹ آبان، به شبکه خبری سی‌ان‌ان گفته بود: «توافق با ایران توافقی چندجانبه میان آمریکا و ایران نیست، این توافقی چندجانبه است که از راه مذاکره به دست آمده و خود من هم به‌شخصه مسئولیت مستقیم در آن دارم و هم‌اکنون رئیس کمیسیون مشترکی هستم که بر اجرای آن نظارت دارد تا اجرای این توافق از سوی همه طرف‌ها را تضمین کند؛ و این توافق در قطع‌نامه شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفته است.»

واشنگتن ومسکو

درین‌حال موضوع دیگر نزدیک‌شدن احتمالی واشنگتن و مسکو است؛ آنچه به گفته شماری از رسانه‌ها، ازجمله وال‌استریت‌ژورنال، ممکن است به تفرقه در اتحادیه بر سرر آینده تحریم‌های روسیه دامن بزند. ایالات متحده در پی بحران اوکراین و اتهام‌ها به روسیه درباره دخالت آن کشور و حمایت از جدایی‌طلبان، تحریم‌های به‌نسبت گسترده‌ای را علیه مسکو اجرا کرده است. اجرای این تحریم‌ها باید در پایان ماه ژانویه دوباره تصویب یا کنار گذاشته شود؛ یعنی زمانی که دونالد ترامپ هدایت دولت ایالات متحده را در دست گرفته است. ترامپ در زمان کارزار انتخاباتی‌اش، ضمن ستایش ولادیمیر پوتین، احتمال همکاری میان دو طرف در سوبیه را مطرح کرده بود؛ همکاری‌هایی که در دوره ریاست‌جمهوری باراک اوباما، به دلیل اختلاف عمیق واشنگتن و مسکو بر سر آینده دولت بشار اسد، نزدیکی چندانی پیدا نکرد. یک دیپلمات ارشد اروپایی، به وال‌استریت‌ژورنال می‌گوید انتخات ترامپ به عنوان رئیس‌جمهوری آینده آمریکا، مسئله ادامه تحریم‌ها را پیچیده کرده است.

تعویق نشست‌ناتو

ازسوی‌دیگر پیروزی ترامپ، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را نیز دچار سردرگمی کرده است. براساس گزارش‌ها سران ناتو نشست ماه ژانویه خود را به تابستان سال آینده موکول کردند. آن‌طورکه خبرگزاری‌ها گزارش داده‌اند، هدف از این تعویق، مهلت‌دادن به رئیس‌جمهور منتخب آمریکا برای تعیین رویکرد خود نسبت به ناتو است. ظاهرا ناتو می‌ترسد ترامپ که در رقابت‌های انتخاباتی این سازمان دفاعی را «زائد» خوانده بود چند هفته بعد از آغاز ریاست‌جمهوری خود در نشست یادشده اصلا شرکت نکند.

جهان

انتخابات آمریکا: واقعیت‌ها و انتخاب‌ها

کاهش اقتدار سیاسی، نارضایتی جناح‌های رادیکال سلطه‌جو و جنگ طلب را به همراه داشته است.

در شرایطی که در مجموع دوره ۱۴-۲۰۰۴ درآمد سرانه اقتصادی کشورهای چین و هند به ترتیب ۱۶۶ و ۸۲ درصد و کشورهای روسیه، کره جنوبی و آلمان به ترتیب ۳۶،۳۷ و ۱۶ درصد رشد کرد، درآمد سرانه آمریکا فقط هفت درصد رشد داشت. در همین دوره درآمد سرانه اقتصادی کشورهای با درآمد متوسط به متوسط به بالا در حدود ۷۰ درصد، درآمد بالا ۱۳ درصد و کل جهان ۲۸ درصد افزایش یافت. در مجموع ملاحظه می‌شود که این کشور در ابعاد و عرصه‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی دچار پسرفت نسبت به اغلب کشورهای جهان شد که در سرخوردگی بخش‌های بزرگی از مردم این کشور منعکس شده است.

صنعت و اشتغال مولد ملی

نظر به مزیت رقابتی نیروی کار ارزان قیمت، بخش مهمی از اشتغال کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای درحال‌توسعه و به‌تازگی توسعه‌یافته منتقل شده که آمریکا هم از این امر مستثنا نیست. هم‌اکنون میزان اشتغال صنعتی آمریکا به کمترین میزان در هفت دهه اخیر رسیده و بر پایه داده‌های اداره آمار آمریکا از ۱۷ میلیون نفر در سال ۲۰۰۰ میلادی به ۱۲ میلیون نفر در سال جاری تنزل کرده است. با توجه به تأثیر بخش صنعت بر کل اقتصاد از جمله ایجاد دو شغل جانبی و القایی به ازای هر شغل تولیدی و همچنین برگشت بالای منابع مالی تزریق‌شده به صنعت با اثر ۱،۴برابری، انقباض بخش صنعتی اثرات شدیدتری بر دیگر بخش‌های اقتصادی به همراه دارد. در نیم‌قرن پیش سهم بخش صنعت-ساخت از کل اشتغال آمریکا ۲۸ درصد بود که با روند نزولی کم‌وبیش ثابتی به کمتر از ۹ درصد رسیده است. از سوی دیگر ورود گسترده مهاجران خارجی که با دستمزدها و شرایط پایین‌تری حاضر به استخدام هستند، بر بازار کار آمریکا فشار می‌آورد. دو موضوع مهم انتقال مشاغل مولد به خارج از مرزها و ورود نیروی کار مهاجر ارزان قیمت، شرایط کار و دست‌مزدهای دریافتی برای نیروی کار بومی آمریکا را به شدت دشوار کرده است که به تبع آن نارضایتی‌های زیادی را در بین تولیدکنندگان، کارگران و اتحادیه‌فروست ایجاد می‌کند. همچنین در شرایطی که نیروهای مولد صنعتی در آمریکا تضعیف شدند، بخش‌های بازرگانی، واسطه‌گری و سوداگری مالی تقویت شدند. ذکر این موضوع لازم است که بخش درخورتوجهی از کاهش نیروی کار صنعتی آمریکا بنا به دلایلی از قبیل به‌کارگیری فناوری‌های جدید، اتوماسیون خطوط تولید و افزایش بهره‌وری، رخ داده است.

آزادسازی‌های تجاری و مهاجران خارجی

هرچند آزادسازی‌های تجاری و ورود مهاجران خارجی موجب کاهش بهای کالاهای مصرفی و خدمات در آمریکا و تا حدی رفاه کاذب مبتنی بر مصرف‌گرایی شده است، اما از سوی دیگر منجر به فشار بر شغلان (به‌خصوص کارگران و مشاغل کاری) شد که به‌تبع آن بر معیشت عامه آمریکاییان تأثیر گذاشته است. تا دهه پایانی قرن بیستم، آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بدون وجود هرگونه رقابت جدی از سوی دیگر اقتصادها، نبض تجارت جهانی را در دست داشتند. همراه با آزادسازی‌های تجاری و ورود حداقل یکمیلیارد

نفر نیروی کار ارزان قیمت از کشورهای درحال‌توسعه آسیایی، اروپای شرقی، آمریکای جنوبی و بخشی از آفریقا به بازارهای بین‌المللی، شرایط رقابت جهانی دچار تحولاتی جدی و اساسی شد. طبق داده‌های سازمان تجارت جهانی، در ربع قرن پیش، چین سهمی کمتر از دوصددرد از ارزش صادرات جهانی کالاها را دارا بود که اکنون به ۱۳ درصد رسیده است. در کمتر از دو دهه، مجموع سهم پنج کشور صنعتی آمریکا، آلمان، ژاپن، انگلستان و فرانسه از ۴۰ درصد صادرات جهانی کالاها به ۲۵ درصد تنزل یافت و درهمین‌حال سهم صادرات کشورهای چین (شامل هنگ‌کنگ)، کره جنوبی و سنگاپور از ۱۰ درصد به ۲۰ درصد صعود کرد. در سال ۲۰۰۰ میلادی سهم آمریکا از صادرات جهانی کالاها ۱۲ درصد بود که در سال ۲۰۱۵ به هشت درصد کاهش یافت.

در سال ۲۰۱۵ میلادی آمریکا با دوهزارو ۳۰۰میلیارد دلار واردات و ه هزارو ۵۰۰میلیارد دلار صادرات، دچار ترزا تجاری منفی به ارزش ۸۰۰میلیارد دلار شد. در همین سال صادرات خدمات آمریکا، ۷۰۰میلیارد دلار و واردات آن ۵۰۰میلیارد دلار بود که ۲۰۰میلیارد دلار تراز تجاری مثبت در بخش خدمات را نشان می‌دهد. با وجود موازنه تجاری مثبت بخش خدمات، مجموع تراز تجاری کالاها و خدمات در سطح منفی ۶۰۰میلیارد دلار واقع می‌شود. از مجموع ۸۰۰میلیارد دلار کسری تراز تجاری کالاها در آمریکا، صدمیلیارد دلار آن مربوط به سوخت‌ها و بیش از ۵۰۰میلیارد دلار آن مربوط به کالاهای مصرفی می‌شود.

تشدید نابرابری‌های اقتصادی واجتماعی

آزادسازی تجاری در سطح جهان کم‌وبیش منجر به گسترش شکاف‌های طبقاتی و بی‌کاری به‌خصوص به زیان قشرهای کارگری و تولیدی در کشورهای توسعه‌یافته شد. جهانی‌سازی و تسهیل تجارت جهانی هرچند تا حدی رفاه در جهت مصرف (کالاهای ارزان قیمت وارداتی) برای مردم کشورهای توسعه‌یافته به‌همراه داشته، اما درمجموع به نظر می‌رسد با توجه به فشار بر سطوح درآمدی و میزان اشتغال نیروی کار این کشورها، در اصل نگاه‌های ایدئلمیتی و صاحبان آنها منافع حاصله را کسب کرده باشند.

طبق تحقیقات اخیر کنگره آمریکا، ثروت خانوارهای آمریکایی بالغ بر ۶۷ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۳ میلادی شد. از این ثروت، سهم ۱۰۰درصد بالای درآمدی (ثروتمند) جمعیت؛ ۷۶ درصد، «۵۱ تا ۹۰ درصد بعدی؛ ۱۳درصد» و ۵۰ درصد پایین‌درآمدی (فقیرترین): فقط یک‌درصد است. متوسط ثروت خانوارهای ۱۰ درصد بالایی: چهارمیلیون دلار و ۵۱ تا ۹۰ درصد بعدی: ۳۱۶هزار دلار و ۲۶ تا ۵۰ درصد بعدی: ۳۶هزار دلار است و خانوارهای ۲۵ درصد پایین‌درآمدی (فقیر) جمعیت به‌صورت متوسط دارای ۱۳هزار دلار (دهی هستند. نابرابری ثروت در آمریکا ابعاد و جوانب گسترده‌ای دارد که در یکی، دو دهه اخیر تشدید شده است. متوسط ثروت خانوارهای با سرپرست خانوار با تحصیلات دانشگاهی، چهاربرابر خانوارهای با سرپرست خانوار با تحصیلات دبیرستانی است. در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۸ ثروت خانوارهای آمریکایی به صورت نامتاسی افزایش یافته است. در شرایطی که به ثروت ۱۰ درصد بالای‌درآمدی (ثروتمند) جمعیت، ۵۶ درصد افزوده

شده، شش درصد از ثروت ۲۵ درصد پایین‌درآمدی (فقیرترین) کاسته شده است. طبقه متوسط این کشور به‌شدت تضعیف شده، به‌صورتی‌که سهم طبقه متوسط آمریکایی از کل ثروت کشور به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است و درهمین‌حال سهم طبقه متوسط از کل ثروت ملی کشورهای کانادا، فرانسه، انگلستان و ژاپن به‌ترتیب ۳۹، ۴۰ و ۴۹ درصد است. مجموعه داده‌های چهارگانه فوق‌الذکر که بخشی از واقعیت‌های جامعه آمریکایی را بیان می‌کند، به‌وضوح نشان می‌دهد که چگونه یک کاندیدا با وجود همه نقاط ضعفی که دارد، بدون اتصال به حلقه‌های قدرت سیاسی موجود می‌تواند با تکیه بر شعارهای مبتنی بر ایجاد اشتغال برای مردم و ازبین‌بردن فساد و لابی‌های سیاسی و البته توام با عوام‌گرایی، به‌عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا انتخاب شود. پیش از انتخابات اخیر، جوزف استگلیتز، برنده جایزه نوبل اقتصاد، توزیع ناعادلانه فرصت‌های رشد در اقتصاد آمریکا را عامل بروز ترامپ عنوان کرد. او بر این باور بود که برنامه‌های اقتصادی نئولیبرال‌ها منجر به نابرابری گسترده در اقتصاد و حفظ منافع ثروتمندان شده است.

باید توجه داشت که تکیه بر تولید داخلی از یک‌سو ایجاد اشتغال و افزایش درآمد ملی و از سوی دیگر کاهش واردات کالاهای ارزان قیمت، افت سطح مصرف و تا حدی تنزل رفاه مبتنی بر مصرف مردم آمریکا را به‌دنبال خواهد داشت. پس از انجام تغییرات در دولت، پرسش این است که آیا مردم آمریکا حاضر خواهند شد کمتر مصرف و بیشتر کار کنند؟ و چگونه تولیدکنندگان آمریکایی با نیروی کار به‌مراتب گران‌تر داخلی، خواهند توانست با نیروی کار ارزان قیمت خارجی رقابت کنند؟ نه‌تنها در زمینه کالاهای مصرفی با فناوری پایین که در بخش‌های با فناوری متوسط و بالا از قبیل خودروسازی، رایانه و نرم‌افزار نیز آمریکا قدرت رقابتی خود را به میزان زیادی از دست داده است. هم‌اکنون ضمن آنکه در بخش کالاهای مصرفی، چین بزرگ‌ترین صادرکننده جهان به‌شمار می‌رود، در بخش صادرات خدمات نرم‌افزاری و رایانه، هند دارای رتبه اول جهانی است. درمجموع مشکل اقتصاد آمریکا بیش از واردات از چین و رابطه آزاد تجاری با جهان، اعمال سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال (به‌ظاهر آزاد) است که با تقویت انحصارها در جهت توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد و تقویت بخش‌های نامولد سفته‌بازانه و سوداگرانه و تضعیف بخش‌های مولد و کارآفرین، منجر به نارضایتی و خشم عامه مردم از نظام سیاسی حاکم شد. بنابراین مشکل اصلی آمریکا در ذات نظام سیاسی و اقتصادی این کشور نهفته است و دونالد ترامپ اگر واقعا بخواهد دست به اقدامات ساختاری و نهادی در جهت اصلاح وضعیت موجود بزند، مسیر بس سخت و دشواری را در پیش‌رو خواهد داشت. در رابطه با اقتصاد آمریکا باید گفت این کشور بالاترین میزان نیروی انسانی باکیفیت و جذب نخبگان (در علوم و فناوری) را دارد، از تنوع بالای قومی و فرهنگی برخوردار است، دارای غنی‌تری و متنوع‌ترین منابع طبیعی است و مزیت مهمی در برابر اروپا و آسیای شرقی و جنوبی دارد که منابع انرژی است؛ بنابراین هر چند آمریکا به عنوان قدرت بلامنازع جهان باقی نخواهد ماند…

● دولت و اپوزیسیون ونزولا دستیابی به برخی توافقات اولیه برای خروج این کشور از بحران سیاسی و اقتصادی عمیقش را اعلام کرده‌اما راه‌حلی قطعی هنوز پیدا نشده و مذاکرات ادامه خواهد داشت.

● به گزارش ایسنا به نقل از آسوشیتدپرس، در بین این توافقات تعهدی برای برگزاری انتخابات جدید در ایالت آمازون به منظور انتخاب جانشین‌هایی برای سه عضو مجمع ملی که ازرسوی دادگاه عالی ونزولا به اتهام خرید رای اخراج شدند، وجود دارد. همچنین طرفین توافق کردند به استقلال پارلمان ونزولا احترام بگذارند و برای غلبه بر ین‌بست ایجادشده به‌وسیله تصمیمات دادگاه عالی برای خنثی‌کردن تصمیمات مجمع ملی همکاری کنند.

موزئنگنور کلودیو جلی، میانجیگر تعیین‌شده از سوی واتیکان، پس از قرائت نتایج به‌دست‌آمده از دوم نشست میان نمایندگان اپوزیسیون و دولت سوسیالیست نیکلاس سادورو، رئیس‌جمهوری ونزولا، این توافقات را اعلام کرد. این مذاکرات با حمایت حوزه لوئیس رودریگز زاپاترو، نخست‌وزیر سابق اسپانیا، مارتین توریهخوس، رهبر سابق پاناما و لئونل فرناندز، رهبر سابق جمهوری دومینیک، برگزار می‌شود.

در این مذاکرات بی‌اعتمادی موج می‌زند؛ مخالفان مادورو می‌تسند برای اعمال فشار بر رئیس‌جمهوری که محبوبیتش در بحبوحه تورم سهرقمی، کمبود غذا و دارو و اقتصاد بحران‌زده فروپاشیده است این مذاکرات یک تاکتیک تأخیر باشد.

سایر تغییرات در متن توافق شامل ارائه فهرستی از اموال و دارایی‌های چریک‌ها و برقراری امنیت برای مالکان در جریان این اصلاحات در متن توافق است. موارد مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر در ارتباط با چریک‌های فارک نیز به صورت جداگانه بررسی می‌شود. کمی پیش از امضای این توافق، آلوارو اوپریسه، رئیس‌جمهوری سابق کلمبیا اعلام کرد تا زمانی که اپوزیسیون و قربانیان درگیری‌های فارک متن توافقی را نخوانند، این توافق رسمیت ندارد. توافقی قبلی میان فارک و دولت کلمبیا، در همه‌پرسی روز دوم اکتبر گذشته رد شد و ۵۰،۲ درصد از شرکت‌کنندگان به آن نه گفتند. بیشتر آتهایی که مخالف توافق قبلی بودند علت نه‌گفتن خود را امتیازاتی می‌دانستند که به «فارک اجازه می‌داده از مجازات قتل‌هایی که مرتکب شده‌اند، معاف شوند. دیگر بخش مورد مخالفت مردم کلمبیا اختصاص کمک هزینه ماهانه زندگی از سوی دولت به اعضای فارک تا هنگام بازگشت آنها به جامعه و ازسرگرفتن یک زندگی جدید بود. مذاکرات صلح میان فارک و دولت کلمبیا چهار سال طول کشید و پس از به‌نتیجه‌رسیدن، امسال جایزه صلح نوبل را برای خوان مانوئل سانتوس به ارمغان آورد.

مرجع: گزارش کنگره آمریکا۲۰۱۶

بر اساس داده های سازمان تجارت جهانی

مرجع: گزارش کنگره آمریکا۲۰۱۶

بر اساس داده های سازمان تجارت جهانی

رویداد

پس از ۲ سال شهر باستانی «نمرود» عراق آزاد شد

● نیروهای عراقی گفته‌اند کنترل شهر باستانی نمرود، در نزدیکی موصل، را در اختیار گرفته‌اند. به گزارش بی‌بی‌سی، نیروهای عراقی می‌گویند توانسته‌اند شهر تاریخی نمرود را که از دو سال پیش نمرود که متعلق به تمدن آشوری بوده به قرن ۱۳ پیش از میلاد بازمی‌گردد. تخریب محوطه باستانی این شهر به‌وسیله داعش در مارس ۲۰۱۵ انتقادات مقامات تاریخ‌نگاران را به همراه داشت. یونسکو هم این اقدام را «جنایت جنگی» توصیف کرد. شهر نمرود در ۳۰ کیلومتری موصل قرار دارد. در بیانه نیروهای عراقی آمده است: نیروهای لشکر زرهی نهم پس از واردکردن خسارات به نیروها و تجهیزات داعش، شهر نمرود را کاملاً آزاد کرده و پرچم عراق را بر فراز ساختمان‌های آن برافراشتند. طبق گزارش‌ها، نیروهای عراقی همچنین خسارت‌های زیادی را در تئوربست‌های داعش وارد کردند. این نیروها پیش از این روسای العننامه، در جنوب شهر نمرود واقع در شمال رود الزاب، را آزاد کرده بودند. نیروهای پلیس فدرال نیز در محور جنوب در حال پاک‌سازی روستاهای آزادشده در این محور به منظور فراهم‌کردن شرایط حمله به فرودگاه موصل هستند.

میراث‌دار جاوز سرانجام کوتاه آمد

● دولت و اپوزیسیون ونزولا دستیابی به برخی توافقات اولیه برای خروج این کشور از بحران سیاسی و اقتصادی عمیقش را اعلام کرده‌اما راه‌حلی قطعی هنوز پیدا نشده و مذاکرات ادامه خواهد داشت.

● به گزارش ایسنا به نقل از آسوشیتدپرس، در بین این توافقات تعهدی برای برگزاری انتخابات جدید در ایالت آمازون به منظور انتخاب جانشین‌هایی برای سه عضو مجمع ملی که ازرسوی دادگاه عالی ونزولا به اتهام خرید رای اخراج شدند، وجود دارد. همچنین طرفین توافق کردند به استقلال پارلمان ونزولا احترام بگذارند و برای غلبه بر ین‌بست ایجادشده به‌وسیله تصمیمات دادگاه عالی برای خنثی‌کردن تصمیمات مجمع ملی همکاری کنند.

موزئنگنور کلودیو جلی، میانجیگر تعیین‌شده از سوی واتیکان، پس از قرائت نتایج به‌دست‌آمده از دوم نشست میان نمایندگان اپوزیسیون و دولت سوسیالیست نیکلاس سادورو، رئیس‌جمهوری ونزولا، این توافقات را اعلام کرد. این مذاکرات با حمایت حوزه لوئیس رودریگز زاپاترو، نخست‌وزیر سابق اسپانیا، مارتین توریهخوس، رهبر سابق پاناما و لئونل فرناندز، رهبر سابق جمهوری دومینیک، برگزار می‌شود.

در این مذاکرات بی‌اعتمادی موج می‌زند؛ مخالفان مادورو می‌تسند برای اعمال فشار بر رئیس‌جمهوری که محبوبیتش در بحبوحه تورم سهرقمی، کمبود غذا و دارو و اقتصاد بحران‌زده فروپاشیده است این مذاکرات یک تاکتیک تأخیر باشد.

دولت کلمبیا و فارک توافق نامه جدید امضا کردند

● دولت و چریک‌های فارک کلمبیا یک توافق صلح جدید و تغییریافته را در هاوانای کوبا به امضا رساندند. به گزارش ایسا، به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، این جدیدترین توافق میان دولت کلمبیا و چریک‌های مسلح انقلابی موسوم به «فارک» است که در پی رد توافقی اولیه در جریان برگزاری رفراندم امضا شده است.

اومبرتو دلاکایه، مذاکره‌کننده دولت بوگوتا، گفت: این توافق جدید فرصتی برای ازمیان‌بردشتن تردیدها است و بالاتر از همه اینها، ایجاد اتحاد و هماهنگی است. امضای این توافق به نیم قرن درگیری میان دولت با چریک‌های چپ‌گرای فارک پایان می‌دهد. همچنین دلاکایه متن این توافق تغییریافته و جدید را بهتر از قبلی دانست، اما به این مسئله اشاره نکرد آیا این‌بار هم این توافق به رفراندم گذاشته می‌شود یا خیر.

سایر تغییرات در متن توافق شامل ارائه فهرستی از اموال و دارایی‌های چریک‌ها و برقراری امنیت برای مالکان در جریان این اصلاحات در متن توافق است. موارد مربوط به قاچاقچیان مواد مخدر در ارتباط با چریک‌های فارک نیز به صورت جداگانه بررسی می‌شود. کمی پیش از امضای این توافق، آلوارو اوپریسه، رئیس‌جمهوری سابق کلمبیا اعلام کرد تا زمانی که اپوزیسیون و قربانیان درگیری‌های فارک متن توافقی را نخوانند، این توافق رسمیت ندارد. توافقی قبلی میان فارک و دولت کلمبیا، در همه‌پرسی روز دوم اکتبر گذشته رد شد و ۵۰،۲ درصد از شرکت‌کنندگان به آن نه گفتند. بیشتر آتهایی که مخالف توافق قبلی بودند علت نه‌گفتن خود را امتیازاتی می‌دانستند که به «فارک اجازه می‌داده از مجازات قتل‌هایی که مرتکب شده‌اند، معاف شوند. دیگر بخش مورد مخالفت مردم کلمبیا اختصاص کمک هزینه ماهانه زندگی از سوی دولت به اعضای فارک تا هنگام بازگشت آنها به جامعه و ازسرگرفتن یک زندگی جدید بود. مذاکرات صلح میان فارک و دولت کلمبیا چهار سال طول کشید و پس از به‌نتیجه‌رسیدن، امسال جایزه صلح نوبل را برای خوان مانوئل سانتوس به ارمغان آورد.